



زن جوان در دادگاه خانواده:

شوهرم بدهی‌اش را به من نمی‌دهد

همیشه این من بودم که مشکلات مان را حل می‌کردم. همیشه من به فکر بدهی‌های مان بودم. فقط یک بار در این زندگی او به دادم رسید. ولی مثل طلبکارهای غریبه از من پولش را خواست و حتی تهدیدم کرد و کلی دعوا راه انداخت. مگر فقط وظیفه من است که در این زندگی پول خرج کنم. این زندگی هردوی ماست. او هم باید سهمی در این مشکلات داشته باشد. من در این زندگی کلی زحمت کشیدم و این‌که همسرم بخواهد پولش را از من پس بگیرد و مثل طلبکارهای غریبه مدام از من پولش را بخواهد انصاف نیست. این زن خودخواه است و من و زندگی‌مان برایش ارزش و اهمیتی ندارد. من هم دیگر نمی‌خواهم در کنارش زندگی کنم.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی تلاش‌های قاضی برای منصرف کردن این زوج از جدایی بی‌نتیجه ماند، رسیدگی به این پرونده به جلسه آینده موکول شد.

و حسابم خالی مانده بود. آن پول تمام پس انداز من بود و به جز آن هیچ پشتوانه مالی‌ای نداشتم. از طرفی به دلیل این‌که سر کار نمی‌رفتم، دوست داشتم کمی استقلال مالی داشته باشم و برای هر چیزی از شوهرم پول نگیرم. می‌خواستم با سود بانکی پولم برای خودم درآمدی داشته باشم. ولی جابر از پس دادن قرضش با این‌که آن پور را داشت خودداری کرد و آن قدر پرداخت این پول را به تعویق انداخت که در نهایت گفت تو به این پول نیازی نداری و نباید توقع داشته باشی که آن را پس بدهم. خیلی ناراحت شدم و گفتم باید این پول را پس بدهی. ولی او سر این موضوع چنان جنجالی به پا کرد که تصمیم گرفتم دیگر در کنارش زندگی نکنم.

در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من و هانیه از همان روزهای اول زندگی مشترکمان با مشکل مالی روبه‌رو بودیم.

بدهی ۲۵۰ میلیون تومانی مرد جوان به همسرش، پای او را به دادگاه خانواده باز کرد و به زندگی مشترک‌شان برای همیشه پایان داد
خواستار جدایی شد

سیما فراهانی
تیش

او وقتی مقابل قاضی دادگاه خانواده قرار گرفت درباره ماجرای زندگی‌اش گفت: هفت سال است با جابر ازدواج کرده‌ام. دو سال پیش بود جابر به من گفت با مشکل مالی جدی روبه‌رو شده‌ام و به پول نیاز دارم. او از من خواست پولی را که برای خودم جمع کرده بودم به او بدهم تا بعد از یک ماه این پول را پس بدهد. من هم قبول کردم و ۲۵۰ میلیون تومانی را که در حسابم داشتم به او قرض دادم. اما جابر هیچ وقت آن پول را پس نداد. تا یک سال اول خجالت می‌کشیدم به رویش بیاورم. ولی بعد از گذشت یک سال دیگر صبرم لبریز شد و به جابر گفتم پولم را پس بدهد. من فقط همان پول را برای خودم داشتم

دلخوری را پنهان نکنید

انفجار می‌رسند و به این نتیجه می‌رسند که باید از هم جدا شوند. آنها آن قدر تحمل کرده و سکوت کرده‌اند که دیگر راه حلی برای مشکل‌شان پیدا نمی‌کنند. برای همین به جدایی فکر می‌کنند. آنها بدون امتحان کردن راه حل‌های مختلف برای حل اختلافات‌شان، سکوت می‌کنند و در نهایت به آخرین راه حل یعنی طلاق می‌رسند. در صورتی که اگر از همان با صحبت یا حتی گاهی اوقات جر و بحث مشکل خودشان را بیان کرده بودند، شاید می‌توانستند از خیلی مشکلات جلوگیری کنند و زندگی آرام‌تری در کنار همسرشان داشته باشند. در این گونه موارد زن و مرد با تحمل مشکلات و اختلافات، زندگی را آن قدر برای خود سخت می‌کنند که به جای سکوت راه حل دیگری را انتخاب می‌کردند شاید این همه مدت هم مجبور به تحمل یک مشکل نبودند.



سارا شقاقی، روانشناس در این خصوص می‌گوید: معمولاً تحمل مشکلات و اختلافات در زندگی زناشویی، نه تنها تأثیر مثبتی در روابط ندارد بلکه باعث از بین رفتن صمیمیت و حس دوست داشتن در بین دو طرف می‌شود. گاهی اوقات زن و مرد، دلخوری یا ناراحتی از همسرشان را پنهان می‌کنند و با این سکوت تصور می‌کنند که از یک جنگ و جدل و اختلاف جدی جلوگیری می‌کنند. آنها با خودشان می‌گویند که اگر حرفی بزنند یا ناراحتی‌شان را بیان کنند، دچار اختلافات جدی با همسرشان می‌شوند. برای همین سکوت را بهترین راه حل خود می‌دانند. در صورتی که سکوت مخرب‌ترین رفتار است و شاید از یک بحث و دعوای کوچک جلوگیری کند، ولی به مرور زمان زندگی مشترک را به ورطه نابودی می‌کشاند. به همین دلیل است که خیلی از زوجها بعد از مدتی، به دلیل این‌که راجع به ناراحتی‌شان حرفی نزده‌اند، با یک تلنگر کوچک، به مرز